

۱۲۷۲۱۷۶

نما و ب

به نام خدا

آن سوی نامواژگان

واژه‌شناسی تاریخی املاک دوسری السرز در حوزه های زبان تبری

مازندران، گلستان، کیلان شمیرتی، السرز (تالقان)

تهران (قصران داخل)، قزوین (الدرت)

علی اصغریوسفی نیا

تابستان ۱۳۹۱

سرشناسه	یوسفی‌نیا، علی اصغر، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور	آن سوی نامواژگان: واژه‌شناسی تاریخی اماکن دو سوی البرز در حوزه‌های زبان تبری مازندران، گلستان، گیلان شرقی، البرز (تالقان)، تهران (قصران داخل) قزوین (الموت) / علی اصغر یوسفی‌نیا.
مشخصات نشر	تهران: پاریپار، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۴۴۸ ص.
شابک	9786009182756
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	واژه‌شناسی تاریخی اماکن دو سوی البرز در حوزه‌های زبان تبری مازندران، گلستان، گیلان شرقی، البرز (تالقان)، تهران (قصران داخل) قزوین (الموت).
موضوع	نام‌های جغرافیایی - ایران - کوه البرز، منطقه - ریشه‌شناسی
موضوع	مازندرانی - واژه‌نامه‌ها
موضوع	مازندرانی - مطالعات تطبیقی
بندی کنگره	DSR ۱۳۹۳۲۱۹۲ ی۹ الف /
رده بندی دی‌سی	۹۱۵/۵۵۲
شماره شابک	۳۴۹۳۲۹۵

آنسوی نامواژگان

علی اصغریوسفی‌نیا

صفحه آرا: یاسر عزیزی

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: گنجینه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۲۷-۵-۶

قیمت: بیست و نه هزار تومان

همه‌ی حقوق برای فرهنگخانه‌ی مازندران محفوظ است!

نشانی: مازندران، ساری، بلوار طالقانی، کوی امیرافشاری، فرهنگخانه، مازندران

(مرکز پژوهش‌های مازندران شناسی)

تلفن: ۰۱۱۳۳۲۰۰۲۴۵ - ۰۹۱۱۸۶۷۸۰۷۷

توجه:

این اثر پژوهشی ادامه‌ی تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی نویسنده در تکمیل اثر منتشر شده‌ی فرهنگ واژگان تبری است.

هرگونه برداشت از مداخل این اثر چه به‌صورت مستقیم و یا دستکاری و یا بازنویسی آن منوط به اجازه‌ی مکتوب از فرهنگخانه‌ی مازندران است. استفاده‌ی بدون اجازه، خلاف قانون حقوق مؤلفین و مصنفین می‌باشد.

درباره‌ی مرکز پژوهش‌های فرهنگخانه‌ی مازندران

مرکز پژوهش‌های فرهنگخانه‌ی مازندران که با همکاری شماری از نویسندگان و پژوهشگران باتجربه‌ی استان و کشور آغاز به کار نمود، بیشتر با هدف تحقیق و تألیف و نشر آثار و منابع پژوهشی و هنری مکتوب، صوتی و تصویری مربوط به گستره‌ی فرهنگ تبری تأسیس گردید. بی برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت این مرکز؛ تحقیق، تألیف و انتشار چند اثر راهبردی در حوزه‌ی فرهنگ مازندرانی و دیگر فرهنگ‌های البرز و ایران در دستور کار قرار گرفت که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. دانشنامه‌ی مازندران؛ در پنج جلد رحلی
۲. خنیا و خنیاگری در تبرستان و مازندران (دانشنامه‌ی موسیقی مازندران)
- در یک مجلد رحلی و دوازده حلقه سی دی صوتی-موسیقایی
۳. فرهنگ واژگان تبری؛ در دو مجلد رحلی
۴. زبانزدهای مازندرانی؛ در یک مجلد وزیری
۵. میراث معنوی البرز؛ در دو مجلد وزیری
۶. میراث معنوی ایران؛ در پنج مجلد وزیری
۷. فرهنگ موسیقی فلات موسیقی ایران؛ در پنج مجلد رحلی
۸. ترجمه و تصحیح کنزالاسرار امیرپازواری؛ در یک مجلد وزیری

علاوه بر آثار مذکور تعدادی از آثار و آلبوم‌های موسیقایی مرجع و یا هنری که توسط استادان و هنرمندان فرهنگخانه تحقیق یا خلق گردید، نیز در زمره اهداف انتشاراتی فرهنگخانه قرار دارد.

در این میان حمایت از آثار تحقیقی دیگر مولفان مازندرانی نیز در سرلوحه برنامه‌های این مرکز قرار دارد.

کتاب **آنسوی نامواژگان** که حاصل تلاش‌های محققانه یکی از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان مازندرانی است در حقیقت ادامه‌ی تحقیقات زبان‌شناسی فرهنگ‌واژگان تبری به شمار می‌آید؛ فرهنگی که در سال ۱۳۸۱ در پنج مجلد وزیری منتشر گردید و آقای **علی اصغر یوسفی‌نیا** در جایگاه یکی از سرمولفان این اثر حرار داشته است.

امید است که فرهنگخانه‌ی مازندران با حمایت دوستداران فرهنگ بومی و ملی بتواند علاوه بر ارزش‌های راهبردی و تعریف شده در مرکز پژوهش‌های این موسسه، دید آثار ارزشمند تحقیقاتی و هنری سایر مولفان و هنرمندان را منتشر نموده و از این طریق در حفظ و گسترش میراث‌های معنوی و فرهنگ و هنر این مرز و بوم گام‌هایی بردارد.

فرهنگخانه‌ی مازندران

مرکز پژوهش‌های مازندران‌شناسی

درباره‌ی مؤلف

یوسفی‌نیا از جمله چهره‌های تأثیرگذار و شاخص فرهنگی- ادبی است که در کانون‌های روشنفکری و اهل قلم در استان‌های گلستان، مازندران و گیلان، در جایگاه نویسنده و مورّخی مرجع قرار دارد.

علاوه بر مقالات علمی و پر اهمیتی که از سوی این نویسنده در فصلنامه‌های معتبر، همچون اباختر و گیله‌وا درج گردید؛ «تاریخ تنکابن» ایشان تنها در گستره‌ی البرز شمالی بلکه در قیاس با آثاری که در سطح ملی و ارتباط با تاریخ‌های منطقه‌ای نگاشته شدند، اثری منحصر به فرد محسوب می‌شود.

تاریخ تنکابن در پی اهداف ثبت رویدادهای تاریخی، سیاسی و نظامی این نقطه از ایران زمرسته شد اما مهم‌ترین حوادث تاریخی شرق گیلان و غرب مازندران را منعکس ساخته و از منظری دیگر بُرشی طولی و هوشمندانه‌ی مقاطع مهمی از تاریخ این منطقه محسوب می‌شود.

انتشار تاریخ تنکابن، مجامع علمی و فرهنگی منطقه را متوجه درک عمیق، قلم نافذ و مؤثر این مورخ نموده و چاپ‌های متعدد آن از سوی ناشرین مختلف حاکی از توجه و اقبال عمرانی دبستان‌اران رسالات تاریخی از این اثر ماندگار است.

یوسفی‌نیا از مؤلفان اصلی و ویراستار علمی اثر پنج جلدی «فرهنگ واژگان تبری» است که از سوی مؤسسه‌ی کتاب سال کشور سامزد بهترین اثر پژوهشی در حوزه‌ی ادبیات تحقیقی گردید.

این مورخ پژوهشگر که قریب به یک دهه از عمر خود را صرف همکاری مستمر با دیگر مؤلفان فرهنگ مذکور نمود، تبیین و تشریح شمار قابل اعتناّیی از مداخل مبنایی و مهم این اثر را بر عهده داشت.

پس از انتشار فرهنگ واژگان تبری و در ادامه‌ی تکمیل و تحقیق این پژوهش با همراهی و مشارکت ابوالحسن واعظی- از دیگر پژوهشگران

مؤثر فرهنگ تبری- به تألیف و تدوین اثر دیگری با عنوان «نام‌ها و نامداران مازندران غربی» همت گماشت. دیری نپایید که «نام‌ها و نامداران مازندران غربی» به عنوان اثری قابل استناد در معرفی شخصیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و دینی و مذهبی غرب مازندران نایاب گردید.

پس از آن اثر تاریخی و پر ارج مشروطه‌ی بی‌نقاب به قلم این مورخ به زیور چاپ آراسته شد. مشروطه‌ی بی‌نقاب که اساس آن مستند به یکی از اسناد گرانبه‌ای دوران مشروطه در مازندران غربی است با مقدمه‌ای زرین همراه است.

این مقاله با حیدمان فکورانه‌ی رخدادها و عناصر تأثیرگذار و نیز تعیین دقیق بهم و نقش جنبش‌ها و جریان‌ات مهم سیاسی و مذهبی در حیات تاریخی منطقه‌ی مازندران نشانگر اوج نبوغ این مورخ و درک عالمانه‌ی او از مکانیزم‌های شبه‌نده‌ی حیات تاریخی این حوزه‌ی مهم البرز شمالی است.

نگارنده بی‌جهت نمی‌داند که دوستان و علاقمندان تاریخ را جهت سهولت فهم رویدادهای تعیین‌کننده و درک مقاطع سرنوشت‌ساز تاریخ مازندران به مقدمه‌ی درخشان «مشروطه‌ی بی‌نقاب» ارجاع نماید.

آنسوی نامواژگان:

بی‌تردید «آنسوی نامواژگان» را می‌بایست، حاصل شش پژوهشی، دانش زبان‌شناختی و اشراف این پژوهشگر نسبت به یکی از سازه‌های مهم زبان پهلوی (غربی) یعنی زبان تبری دانست.

این اثر که ناظر بر رمزگشایی از مفاهیم بنیادی و سر به مهر مهم‌ترین شهرها، آبادی‌ها و اماکن تاریخی مازندران، گیلان، استارآباد (گلستان) و دماوند و قصران است با اتکا به ریشه‌یابی، تطبیق و معادل‌یابی اوستایی و پهلوی آن‌ها صورت پذیرفته است.

به رغم روزگار ناساز، اوضاع ناهمساز و سوگ سنگین از دست دادن

فرزندی برومند و با وجود کهولت سن، این مورخ پر ارج به عشق روشنگری زوایای تاریک منطقه و آگاهی مردمان از چند و چون زیستگاه‌های خویش، چهار سال از عمر خود را صرف پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی آن نمود.

در این میان هر گاه در یافته‌ها و داده‌های کتابخانه‌ای برخی نامواژگان نارسایی و یا تردیدی وجود داشت، بی‌درنگ در شرق و غرب البرز و در مکان‌های مورد نیاز حضور می‌یافت تا با مشاهده‌ی دقیق مکان‌ها؛ اسناد و اسناد کتابخانه‌ای را با مواضع میدانی مطابقت داده و با حصول اطمینان و بی‌تردید نسبت به ثبت و ریشه‌یابی آنها اقدام نماید.

در سنین حال اما کتابخانه‌ای مورد مطالعه‌ی مؤلف که در پایان همین اثر درج گردید، حاکی از این است که بسیاری از کتب مرجع در زمینه‌ی زبان‌شناختی، فقه‌اللغة و نیز آثار تاریخی و تفسیری در این حوزه مورد تدقیق و فیش‌برداری قرار گرفت تا ریشه‌یابی و معادل‌یابی با یافته‌ها و دستاوردهای زبان‌شناسیِ عالم‌الزبانان سابق برجسته، منطبق باشد.

به خاطر چنین کوشش‌ها و دغدغه‌ها است که بی‌گمان کتاب «آنسوی نامواژگان» را می‌توان در طراز یکی از مهم‌ترین منابع تطبیقی زبان تبری با زبان‌های اوستایی، پهلوی و فارسی میانه قرار داد. آشکار است که این اعتبار زبان‌شناختی افزون بر ارزش‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی این اثر پربار است.

جهانگیر نصری اشرفی

زمستان ۱۳۹۱

دیاجه:

سال‌هایی دور از پیش تخت‌خانه پدری مشرف بر باغی پوشیده از رته‌ای سبز چای، نگاه کودکانه‌ام هر بامداد و شام به البرزی بود که با قامت افراشته و شکوه تحسین برانگیزش چشم‌هایم را مبهوت ابهت خود می‌ساخت. نور شنگرف‌سان خورشید هر پگاه و ریزش شباباش دانه‌های الماس گوناگون برف‌های زمستانی بر تارک قلّه‌ها، از احساسی شادمانه و وصف‌پذیر ریز می‌ساخت. این جدا از مشاهده‌ی لذت بخش هر ساله‌ی هیاهو بود که در راه‌های صعب‌العبور این کوهستان، گالش‌های ستبر اندام و ورزیده مر جده‌آن بودند.

مردمی تنگ‌دست جنس نشین که با مجموع داروندار شبانی خود، ایستگاه‌های زمستانه دامداری را مقصد بُنه‌های بهاره نشین و سپس استقرار در ارتفاعات بی‌درخت، پی می‌گرفتند. انسان‌هایی سخت سالم ولی ساده و بی‌خبر و بی‌اعتنا به گذر زمان در گوش داشتن خروش زندگی و تموج حیات در فضاها، زمانی پس از خود، از کوه نعمت می‌گرفتند و حق شناسانه چون اجداد کهن خورشید، تکریم و ستایشش می‌پرداختند.

جدا از اینها، نام‌های پر ابهت و زیبایی بود که با وجود پیچیدگی در هاله‌ای از اسرار و ابهام، به هر بخشی از البرز مقدس استقلال هویت می‌بخشید و بر زبان‌ها جاری بود، بدون آنکه درک درستی از مفاهیم آن واژگان در دست باشد. این نام‌ها ضمن دارا بودن گنجینه‌ای از یادها و سرگذشت‌های شنیدنی در گذشتگان، زندگان و آیندگان را نیز به هر سویی از مقاصد خود راهنما می‌شدند. بعدها که خود زائر خُرد و حقیر این راه‌های کوهستانی شدم و با (کاری و رزا)^(۱) های خسته از کار در شالیزار به قصد اطراق در املاک علف چر کوهستانی، ناظر آخرین شکل باربری گاوهای نر (باری و رزا) در این راه بودم. معمای پیچیده و حل

ناشده واژه‌های به ظاهر گنگ و بی معنی کوهستان، همچنان بیچاره‌ام می‌داشت. نامواژگانی که هر یک حاوی افسانه‌هایی بودند که از فضای مه‌آلود اساطیر و آمیختگی با واقعیات تاریخی حاصل آمده بودند. روایاتی سرآور و مستی بخش که جز خواب کردن اذهان ساده و سرگشتگی و بی‌سرانجامی کنجکاوان هوشمند، چیز دیگری با خود نداشتند.

زمان‌های طولانی به سر رسید و معلوم شد که این اسامی مجهول و نا آشنا، جزء مهمی از فرهنگ و تاریخ و هویت ملی هر قوم و ملتی است که متأسفانه قدر و منزلتشان آنچنان که باید و سزاوار جایگاه آن است شناخته نگردید. نامهایی که در صورت تفسیر درست و اصولی و برداشتن نقاب از ناشناخته‌های آن، مسیر تدریجی تاریخ حیات اقوام را در تار و پودر متنوع فرهنگ آشکار می‌سازد و با اعتنای عمومی نسبت به آن، ستونهای دانش بر شالوده آن افراشته می‌گردد. گوهر توانایی در ذات دانائی نهفته است و انتزاعی نوزاد ناقص الخلقه و منور جهالت می‌باشد.

کتاب حاضر تلاش در تبیین مفاهیم اسامی جغرافیایی ناظر بر روستاها، کوه‌ها، رودها، رشته‌ها، دره‌ها، چشمه‌ها و دریاچه‌های دو سوی البرز خشک و مرطوب از آخرین مرزهای تاریخی و حال گیلان در جهت پیوستگی به خاک مادران نا رزمین گرگان است. در این پی‌جویی مستمر و گاه ملالت‌بار که محب ودیت دانش مؤلف در گستره‌ی وسیع زبان‌شناسی و زبان‌دانی از موانع مابل و پلاچامی آن بوده، به نکاتی در خور تعمق دست یافته‌ام. بدیهی است درک معانی و معانی اسامی جغرافیایی متعارف که عمری کمتر از سه هزاره دارند، زبان‌دانی و تسلط کامل بر زبانهای کهنه و نو را می‌طلبد و آشنایی با این علم از بدو لازم اصلی و حتمی این پژوهش می‌باشد. هر چند بررسی و توصیف علم زبان در چارچوب جدید از دو قرن اخیر تجاوز نمی‌کند، ولی در همان زمان اندک جهش تازه‌ای در این حوزه آغاز گردید. سرانجام این نتیجه‌ی کلی حاصل آمد که زبان مهم‌ترین ویژگی ذاتی و عرضی انسان است که می‌تواند وجه تمایز او با دیگر جانداران قرار گیرد. این سرمایه ذاتی ذهن انسان در سراسر جهان از طریق مکانیسم فراگیری خاصه از راه تکامل زیستی در سرشت بشر حادث شده و از طریق ژن از پدر و مادر به فرزندان منتقل می‌شود و آنها نیز به نسل‌های بعد با شرایطی رو به رشد و کمال انتقالش می‌دهند.

بخشی از نامواژگان حوزه‌های متنوع زبان تبری به قدری قدیمی و کهنه‌اند که به یاری هیچ یک از گویش‌های متعدد این زبان و زبانهای رایج گذشته و حال قابل تبیین و تفسیر اقناع‌کننده نیستند. مگر پژوهشی ژرف و تبخّر در زبان و تاریخ و جامعه‌شناسی و علم الاساطیر و دیگر علوم که دسترسی به شرایط زیستی و فرهنگی اعصار کهن را در ارائه و تشریح چنین ساختاری آسان سازد. این اسامی بسیار قدیمی که پیش از ترکیب و تکامل زبان تبری موجود در عرصه‌ی تاریخ پدید آمده‌اند، به هیچ وجه، تعیین تقریبی ابداع و کاربردشان میسر نیست. نامواژگان ورد بحث، خارج از تحولات قانونمند زنجیره گفتار روز و در مسیری کاملاً جداگانه و مستقل با سخت جانی قابل توجهی به حیات خود ادامه داده و اینک گاه دچار تغییرات آوایی و حتی ساختاری گردیدند، اما هر زبان هر راه با اجزای تازه به کار گرفته شدند.

علّت دوم استمرار چنین واژگانی را باید در نوع نگاه تازه واردان جهانجوی در - شبه - شرقی دریای مازندران خاصه در فلات ایران دانست؛ چرا که اسامی آرانی وارد بر این خاک میان اسامی فردی و انسانی و اسامی خاص جغرافیایی تفاوت قائل بودند. واژگان مولود عرصه‌های اساطیر با تغییرات خاص در روزگار غالباً بی‌معنی می‌شدند و اسامی تازه‌ای متناسب با روح زمانه پدید می‌آمد. در حالیکه نامواژگان جغرافیایی کهن از این دایره تغییر بدو می‌ماندند، زیرا علاوه بر آنکه چنین حساسیتی درباره‌ی آنها وجود نداشت، بلکه وجود و حضورشان در صحنه‌ی فرهنگ هر اجتماع، مافوق حوادث و - دال‌ها و استحال‌های ناگزیر روز و روزگار بود.

بافت اسامی متعارف اماکن در مازندران و قله‌رویی فرهنگی و جغرافیایی این زبان، آمیخته‌ای از زبان‌های ایرانی باستان همچون اوستایی، مادی و پارسی باستان و یا از زبانهای ایرانی میانه مانند پهلوی اشکانی و ساسانی و سغدی برآمده‌اند. به این دیگ هفت جوش باید فارسی دری، کردی، لری، گیلکی و تاجیکی را نیز افزود. سهم دو زبان پهلوی اشکانی و ساسانی را در ترکیب زبان تبری باید بیش از دیگر زبانهای کهنه و نو دخیل دانست.

در این میان مناطقی از مازندران همچون سوادکوه و رویان قدیم (کوهستان کجور و نور در دو سوی شمال و جنوب) به سبب همسایگی

با ری باستان و دارا بودن پادشاهی‌های آریائی ساسانی پس از جمله اعراب به مدت یک هزاره، از لغات و واژگان پهلوی بیشتری برخوردارند.

اسامی جغرافیایی مطرح شده در این کتاب براساس درک امروزی واژه‌های کهن در ترکیبات قدیم معنی گردیده‌اند. قطعاً واژگان مورد بحث در زمان نامگذاری، مفاهیمی کمابیش غیر از درک امروزی ما داشتند. چرا که تغییرات حاصل در مدلول برخی واژه‌ها، اصلی رایج در همه زبان‌های گیتی می‌باشد.

نباید از یاد برد که هر اجتماعی در سیر ادواری تاریخ حیات خود شباهت‌های متعدّد و متنوعی از ارزش‌ها را به همراه دارد که برابر معیارهای سنجیده و جا افتاده در سیستم نامگذاری مؤثر است، و چون احوال جوامع بشری برابر قاعده‌ی کل هستی پیوسته در حال تغییر و تحول است، باید انتظار داشت که مفاهیم واژه‌ها و معانی اسامی نیز در حال تغییر و دگرگونی باشند. تأثیر نیک و مقبول در مقطعی دیگر از زمان ممکن است به تعارض نشسته و ناپسند تبدیل شده و ارزش‌ها به ضد ارزش و فضیلت‌ها به رذیلت و بالعکس تغییر مفهوم دهند. نمونه‌ی آن واژه کل kal و محتوای تابش و اخلاق جنسی آن در ظرف زمان دراز در حوزه‌های جغرافیائی شمال و بخشی از ایران است.^۱ همچنان است اماکنی که با نام حیوانات معروف شده‌اند و مفهوم امروزی آن با تغییر ارزش‌های زمانی شرم آور گشته است. این نام‌ها از اواخر عصر حجر و آغاز عهد آهن ابداع گشته‌اند و با فرهنگ و دین حاکم بر آن جوامع متناسب بودند، ولی با دیدگاه‌ها و معارف امروز کاملاً متفاوتند و به تعبیری از جمله شناخت‌های بارز به شمار می‌آیند.

نمواژگان دو سوی البرز که منتخبی از آن در حد توان و طبع بی ادعای نگارنده به کتاب حاضر راه یافته، در مثل به قطره و دریا مآند. خوشه چینی فقیرانه‌ای است از خرمن فرهنگ و تاریخ پربار حیات مردمی که در دو سوی این کوه اساطیری زیسته و نشانه‌های انسان زیستی خود را در هر نقطه‌ای از آن به یادگار گذاشتند. در اینجا خواننده

^۱ نک: مدخل کل: kal در همین فرهنگ.

با روایت خشک تاریخ و بایدها و نبایدهایش و عوارض جغرافیایی محض مواجه نیست، بلکه جوهر زندگی را در قالب واژگانی می‌یابد که مردمانی جان‌سخت با نیروی اعجاب برانگیز حیات، معنایش کرده‌اند. تاریخ نیست ولی در عین حال، حامل همه‌ی دست‌آوردهایی است که بشر در حوزه دیرینه‌شناسی، نژادشناسی، دین و آئین و در یک کلام فرهنگ در تمامی جلوه‌ها و ابعاد ویژه‌اش، توان دست‌یابی به آن را دارا است. نام‌هایی که حامل اخبار غارنشینی انسان‌های حاشیه‌ی جنوبی دریای مازندران و در حوزه جغرافیای این خطه است و یا سیر دین و ملاق و سنن قومی و آئین‌های زندگی را در صور مختلف در بطن روایات کلامی خود دارد. از تمدن‌ها سخن به میان می‌آورد و صعود و سقوط آنها از شتات و آزادگی، از نجابت و ناتجیبی اقوام خودی و بیگان و برآمدهای درشت خوئی که طومار حیات فرهنگ و تمدن را در فلات ایران درازیند و ساکنان البرز گنجور یادداشت‌شان شدند. جغرافیای سحرانگیزی که بر بطن خود آبادی و ویرانی، شکوه و خاک‌نشینی و اقبال و ادبار را یکجا با خود دارد.

این فرهنگ هدیه‌ای است به هم‌رم که واژگان صبوری و بردباری را در زندگی برایم معنی کرده است و ادای دینی است به جناب آقای جهانگیر نصری اشرفی، پژوهشگر نستو و نامدار مازندرانی در حوزه‌ی فرهنگ و زبان و جناب آقای ابوالحسن واعظ تنکابنی که تشویق‌ها و دلگرمی‌ها و کمک‌های بیدریغ آن عزیزان بگامش این وجیزه را امکان‌پذیر ساخته است. سپاس ویژه نیز لایق نام رضی‌طاهری است که دقت و سواس آمیزی در تایپ اثر از خود به ظهور رسانده است.

در پایان لازم است یادآور شوم که تنظیم کتابشناسی و استخراج منابع و برخی اصطلاحات مربوط به تعدادی از مداخل توسط دوست ارجمند آقای عباس شیرزادی آهودشتی صورت پذیرفت که بدینوسیله از ایشان قدردانی می‌نمایم.

و همچنین از آقای یاسر عزآبادی و همکارانشان که با دقتی در خور تقدیر کلیه مسائل رایانه‌ای، اعمال تصحیحات و صفحه‌آرایی و بسته‌بندی این اثر را به انجام رساندند سپاسگزارم.

علی اصغر یوسفی نیا
شهریور ۱۳۹۱ خورشیدی